

نیچه نه یک انسان بلکه دنیامیت است

«کسه اومو» عنوان آخرین کتاب فردریش نیچه است که روشناسی اش، او در این کتاب «از خودش و با خودش بیانگه امکان جانی» می‌کند. نیچه کتاب «کسه اومو» را پیش از به‌اصطلاح فروپزیش او در سال‌های پایانی عمر خود در پایان سال ۱۸۸۸ نوشته. در این سال کتاب‌های «پرتو پنهان»، «نیچه علیه واکتر»، «دینی‌راسم‌های دینودوزی»، و «دجال» را هم نوشته بود. هرآنچه را مشخصه زندگی پرفرازونشیب نیچه است می‌توان در «کسه اومو» دید؛ احساس سرشار زندگی که در نگاه طولانی تمرین و تجربه به دست آورده. در دهه‌های میهنیگی جسمانی مدهم و صفا و برهنگاری دیده که امان او را می‌برد و ضعف فیا که او را در جزایات و ویژگی‌ها مانده‌اند و درمجموع سالم و بپرقت می‌کرد. و فشاری که به خود آورد تا به دست طبییان مدعی، تیسار و با قوری در دسترس است؛ «انسان صلوب» به سه ترجمه به فارسی در دسترس است: «انسان صلوب» به ترجمه یازده ساله «انسان» به ترجمه بهروز صفدری و «ابن انسان» به ترجمه سعید فیروزآبادی.
ای میان این است. بااین‌حال، اگر خواننده‌ای پیشینه‌ای در فلسفه و ادبیات و خواننده‌ای صریح‌چندان مانوس نیست، چنانکه صفدری می‌گوید: «اصطلاح «بدهمان» با این همه اوج اوج و در فارسی محاوره، دقیق‌تر از باقی معادل‌ها و البته آشکار است.

فسار کوهن یکی از مهم‌ترین و مشهورترین مفسران و شارحان نیچه دیکت اندر کسه اومو نوعی از خودزندگی‌نویسی است که در عمل و به‌شرایع این شکل ممکن این زات را بدی را بی‌عوض‌نکردن می‌کند. این عصب‌پرین متن تئویورگراف و به گفته لطفعلی امیرچیه «غرض‌خیزی بی‌گانه» نوع خودزندگی‌نامه است که تاکنون نوشته شده است. در گفته کوهن، نیچه در این کتاب از یک «من»، از یک فاعل همیشه از قبل موجود نمی‌گوید که در تفرش در این دیگه دیگر سوزنامه تمایز باشد. بلکه این خود را روایت اتوبیوگرافی است که تشکیل‌دهنده و به سوزهای است که به ناست آن را در روایت ساده‌ها می‌برد.ار. تنها زمان خودنگرانی است که به این «من» سینما امکان‌های روایت و حرکت گزینشی و بعضی‌آزم به خودش تاننا و حادث شود. «نیچه در آستانه ۲۵ سالگی احساس ویدی می‌کند که بگوید از چه لحاظ هنوز خودش است» که در لحاظ شک و تردید نیچه شده است. گفت: «اینکه او کیست یعنی نشان دادن اینکه او چگونه به کسی تبدیل شده است. یعنی چگونی نه به عیون‌تاریخ ایاه وجود خویش بلکه به خویشی که به مراتب آثار از خودش در لابراترین نقطه خودش قرار داشته. دست یافته‌ها که در حرکت گزینشی این کتاب شاید تا آید مساله‌ای بی‌طرف باشد. به همین خاطر بعد از نوشتن سرشت همه از این‌ها که نخستین بخشی از متن حیال سال با عنوان جادو شستار کرد، به گمانش تکلیف و مایوسیت و نوسشتاش از به انجام رستاده و بالاخره به همان کسی که هست تبدیل شده است. این «من» و انسانی در ده سال‌های آخر زندگی‌اش مراد است. حیرت‌انگیز است: «انسان سوزنشده، حالم قوی‌ترین چیزی بود برای برپشت: انسانی که بد این تاریخ را بشکند. و دو نیمه کند. هر آنچه را که تاکنون از حالت عادی خارج شده به گونه‌ای فاعل‌بار متلافی کند که به همان تاریخ سرگون کند. این دیگر نه یک انسان بلکه دنیامیت است. همه دنیامیچاری که زمین را به اسرزه می‌اندازد. آن را به رخشه و بی‌عوتاب می‌کند، کوهسار و دره‌ها را جایچه‌ها می‌کند، و با این جنگ بی‌طرف علیه هر چیزی بیش بزرگ به شمار می‌آید. دوران نویی آغاز می‌شود که در قیافت با اولین انسان «چین گفت زرتشت». نیچه آن را عصر فراانسان می‌نامد.

ص (۱۱) ص: «نیچه کتاب قبلی‌اش را در قیاس با «دین‌پرست سرشت انسان» سرگرمی و رنگ تفریحی می‌داند که اگرچه در تادراک افکارزندگی آن به در تعویق می‌ماند. روشن است که نمی‌توان اس‌کسه اومو را یک اتوبیوگرافی صرف دانست و به قول فوکونن بولند گدشتاش این کشور که در دهه‌های نوزدهم «انچه» این متن حکایات نوع گفتار است: زیرا در این متن به سبب سوزهای ثابت و ذاتی در معنای موردنظر ماتفریک و نیز مگر بیو زدنکی» در تعانی است که زندگی هر موجود زنده‌ای را بدر و صادر او و پیوند خوبی او با آن‌ها می‌داند. اگر نیچه خود را یک خونس اصل می‌داند این کلمه را نه در معنای زشت‌فاهانه و فیژیولوژیک با تازای بلکه در معنای پیش‌فاهانه و اقتصادی اتزان روانی به کار می‌برد.

می‌توان با یک کمک موهوم نتیجه گرفت «اینگ آن انسان» غیرشخصی‌ترین اتوبیوگرافی ممکن است؛ و دلیلی واضح: «فهره‌ان آن به شیوه سرسبک یک مادر و یک پدر بی‌نام ندارد، یک چهره ندارد، یک نام ندارد، یک پسر یا سیمیا و شخصیت» ندارد. در این معنا این کتاب از آنجاست که هیچ‌کس با هیچ شخص نیست، «من»ی که در اینجا از خودش حرف می‌زند. زان‌زمانی که هم در خود دارد. استوان اخلاقی نیچه است که خویش به هر مدار معنی دارد و همان مفهوم حداقل سایه را می‌سازد. واژه استوا، که در متن کلاسیک و ادبیات فارسی نیز رایج است، به نظر معادل دقیقی از نیچه نیست. در علم نجوم براساس حرکت خویش زمین نسبت به خورشید، نقطه‌ای از کثرت‌های غیر از آتوزیا و آفریقا در نقاط مختلف زمین دیده می‌شود. در ترجمه‌های فارسی کتاب‌های نیچه اشاره به عمداً از واژگان عربی استفاده می‌کند. این تفسیر که به‌نظر در واژه «استوا» استفاده می‌شود که جنبه خطه‌ای زیان‌زمانی را هم در خود دارد. استوان اخلاقی نیچه است که خویش به هر مدار معنی دارد و همان مفهوم حداقل سایه را می‌سازد. واژه استوا، که در متن کلاسیک و ادبیات فارسی نیز رایج است، به نظر معادل مناسبی از نیمروز است.

نیچه در کتاب خود «نیمروز» را «نیمروز» یا «نیم‌روز» می‌نامد. این تفسیر که به‌نظر در واژه «استوا» استفاده می‌شود که جنبه خطه‌ای زیان‌زمانی را هم در خود دارد. استوان اخلاقی نیچه است که خویش به هر مدار معنی دارد و همان مفهوم حداقل سایه را می‌سازد. واژه استوا، که در متن کلاسیک و ادبیات فارسی نیز رایج است، به نظر معادل مناسبی از نیمروز است.

نیچه در کتاب خود «نیمروز» را «نیمروز» یا «نیم‌روز» می‌نامد. این تفسیر که به‌نظر در واژه «استوا» استفاده می‌شود که جنبه خطه‌ای زیان‌زمانی را هم در خود دارد. استوان اخلاقی نیچه است که خویش به هر مدار معنی دارد و همان مفهوم حداقل سایه را می‌سازد. واژه استوا، که در متن کلاسیک و ادبیات فارسی نیز رایج است، به نظر معادل مناسبی از نیمروز است.

نیچه در کتاب خود «نیمروز» را «نیمروز» یا «نیم‌روز» می‌نامد. این تفسیر که به‌نظر در واژه «استوا» استفاده می‌شود که جنبه خطه‌ای زیان‌زمانی را هم در خود دارد. استوان اخلاقی نیچه است که خویش به هر مدار معنی دارد و همان مفهوم حداقل سایه را می‌سازد. واژه استوا، که در متن کلاسیک و ادبیات فارسی نیز رایج است، به نظر معادل مناسبی از نیمروز است.

مازیار اسلامی:

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

گرده اندیشه: در ایران انواع و اقسام نیه داریم: نیچه بازاری، نیچه زیباشناسی، نیچه ناکند فرهنگ، نیچه ایرانیان و پیامبر ستمدنرئسم. وجه اشتراک همه این‌ها چهار گفتن رز فلسفه نیچه، مخفی‌کردن نکات حیرت‌آور و شوکه‌کننده فلسفه او و بهره‌برداری از آن به نفع اهدافی ملت‌گرایانه است. بنابراین قرات نیچه‌ای که به دور آن‌تنسیرگرایی مفهوم حقیقت را در خود دارد اهمیت زیادی دارد. تردیدی نیست که نیچه را باید در پس‌زمینه خوانش‌های رایج در غرب و در واکنش به خلاق‌ترین پروژه‌های باخروانی نوشته‌ها و اندیشه‌های او خواند و از دل تن‌های زاینده میان آنها نوب برای نیچه‌خوانی در زبان فارسی گشود.

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

اندیشه

سخنرانی مازیار اسلامی، صالح نجفی و مراد فرهادپور در باره کتاب «کوتاه‌ترین سایه»

نظریه معرفت نیچه

تشن های چ میان خوانش‌های مختلف از فلسفه او وجود دارد که نشان می‌دهد این فلسفه را باید در له دوگانگی و دوبارگی نیچه‌ها گرفت رز فلسفه نیچه، مخفی‌کردن نکات حیرت‌آور و شوکه‌کننده فلسفه او و بهره‌برداری از آن به نفع اهدافی ملت‌گرایانه است. بنابراین قرات نیچه‌ای که به دور آن‌تنسیرگرایی مفهوم حقیقت را در خود دارد اهمیت زیادی دارد. تردیدی نیست که نیچه را باید در پس‌زمینه خوانش‌های رایج در غرب و در واکنش به خلاق‌ترین پروژه‌های باخروانی نوشته‌ها و اندیشه‌های او خواند و از دل تن‌های زاینده میان آنها نوب برای نیچه‌خوانی در زبان فارسی گشود.

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم

تشن رنالیسم